

## تبیین الگوهای غذایی در سکونت‌گاه‌های روستایی شهرستان جیرفت با رویکرد آمایش سرزمین

علی شهدادی، علی آذره<sup>۲</sup>

### چکیده

روستاییان علی‌رغم نقش محوری در تولید غذا، امروزه به دلیل تغییرات اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین گروه‌های در معرض تهدید از لحاظ امنیت غذایی می‌باشند. تغییر در الگوی غذایی به دلیل قدرت و دسترسی پایین روستاییان در تامین مایحتاج اولیه، سوء تغذیه و ناامنی شدید غذایی را در این سکونتگاه‌ها به ارمغان آورده است. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال که الگوهای غذایی در بین خانوارهای روستایی شهرستان جیرفت چگونه است و چه عواملی بر آن تاثیر دارند، با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه انجام شده است. مدل تئوریک پژوهش با رویکرد آمایش سرزمین سه دسته عوامل محیطی، اجتماعی و اقتصادی را به عنوان عوامل اصلی تبیین‌کننده الگوهای غذایی رایج در بین روستاییان ارایه کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: خانوارهای روستایی از مجموع ۱۴ وعده اصلی نهار و شام در هفته بیشتر؛ برنج (با میانگین ۴/۹۹ دفعه)، مواد قندی مصنوعی مانند قند، شکر و شیرینی (با میانگین ۴/۷۱ دفعه) و لبنیات (با میانگین ۴/۷۰ دفعه) و ماهی و میگو (با میانگین ۱/۶۱ دفعه) مصرف می‌کنند. مصرف برنج در بین روستاییان با مصرف سایر مواد غذایی از جمله شیر و فرآورده‌های آن، سبزی و میوه جات، حبوبات، مواد قندی مرغ رابطه معنی‌داری داشته است (با پذیرش اثر مثبت تقارن زمان گردآوری داده‌ها با برداشت محصول بر میزان مصرف خانوارهای روستایی). دسترسی به آب موردنیاز برای تولید محصولات کشاورزی و دامی مهمترین عامل تبیین‌کننده چگونگی مصرف شیر و فرآورده‌های آن در بین خانوارهای روستایی دارد ( $R=0/47$ ). تبیین‌کننده چگونگی مصرف مواد غذایی به ویژه مصرف انواع گوشت، غذاهای رژیمی، کنسروها و... با ( $R=0/52$ ), و چگونگی علاقه به مصرف مواد غذایی با ( $R=0/01$ ,  $F=7/44$ ,  $Sig=0/01$ ) می‌باشند. با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود هر گونه برنامه جهت توسعه الگوهای غذایی سالم در جامعه روستایی باید با ارایه برنامه جهت بهبود وضعیت اقتصادی ایشان ارایه شود.

کلید واژگان: امنیت غذایی، روستا، الگوی تغذیه، آمایش سرزمین، شهرستان جیرفت.

۱- استادیار، گروه جغرافیا، دانشگاه جیرفت، نویسنده مسئول: alishahdadi@gmail.com ۰۹۱۷۳۳۱۱۳۵

۲- استادیار، گروه جغرافیا، دانشگاه جیرفت

## مقدمه

دستیابی به امنیت غذایی از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی است که متأسفانه در جهان امروز بسیاری از مردم به ویژه در کشورهای در حال توسعه از آن بی بهره هستند (رزاقی، ۱۳۸۸: ۱۷۱). گزارش فائو در سال ۲۰۱۳ در مورد وضعیت ناامنی غذایی بیان کرده است که در سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳، ۱۲/۵٪ جمعیت جهان (حدود ۸۴۲ میلیون نفر) یا از هر ۸ نفر، ۱ نفر در جهان از گرسنگی مزمن رنج می بردند و غذای کافی برای زندگی سالم و پویا نداشتند که حدود شصت و پنج درصد آنها در نواحی مختلف آسیا زندگی می کردند (FAO، ۲۰۱۳: ۳۵). این گزارش بر این نکته تأکید می کند که امنیت غذایی در کشورهای در حال توسعه به مراتب بیشتر از کشورهای توسعه یافته در معرض خطر می باشد. بدون تردید، امنیت غذایی در یک کشور، به تدابیر و راهبردهایی بستگی دارد که بتوان اقشار آسیب پذیر را مورد حمایت قرار داد و سلامت و رفاه جامعه را تامین نمود (جهانگیری و رجبی، ۱۳۸۰: ۷۶).

امروزه به دلیل تغییرات اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی، روستاییان علی رغم نقش محوری در تولید غذا به عنوان یکی از مهمترین گروه های در معرض تهدید از لحاظ امنیت غذایی می باشند. در سکونتگاه های روستایی ایران از یک طرف با کاهش کمیت، کیفیت و تنوع تولیدات غذایی توسط خانوارهای روستایی روبرو هستیم و از طرف دیگر به دلیل تغییرات فرهنگی-اجتماعی و تغییرات سبک زندگی مردم، شاهد گسترش سبک زندگی جدیدی از روستائینی به نام روستائینی مصرف گرا (به ویژه در بین جوانان روستایی) هستیم. این سبک زندگی به دلیل قدرت و دسترسی پایین روستاییان در تامین مایحتاج اولیه، سوء تغذیه و ناامنی شدید غذایی را در این سکونتگاه ها (به ویژه در فصول بیکاری روستاییان) به ارمغان آورده است. لذا امروزه علی رغم پیشرفت های قابل توجه در تکنولوژی و اقتصاد، در اکثر مناطق روستایی به دلیل تخریب شدید محیط زیست و رشد جمعیت، امنیت غذایی با مشکلات متعددی مواجه شده است. این امر تهدیدی بسیار مهم برای توسعه پایدار می باشد و استقلال کشورها را به خطر می اندازد (Msangi، ۲۰۱۴: ۱۲). از سوی دیگر در ضرورت انجام این موضوع به لحاظ تئوریک باید گفت؛ تحقیقات اخیر سلامت بیش از هر چیز، بر تغذیه و فعالیت فیزیکی به عنوان مهمترین عوامل موثر بر سلامت متمرکز می کند. مرور مدل های سلامتی تاییدی بر این مدعا می باشند:

Barton و همکاران (۲۰۰۹)، Barton و همکاران (۲۰۰۶)، Branch و همکاران (۱۹۸۴)، Broussard و همکاران (۲۰۱۱)، Hollander و همکاران (۲۰۰۳)، Lawrence و همکاران (۲۰۰۴)، Maggie و همکاران (۲۰۱۰)، Millennium و همکاران (۲۰۰۳)، Mocellin و همکاران (۲۰۰۳)، Paton و همکاران (۲۰۰۵)، Prochaska و همکاران (۲۰۰۴)، Ruwaard و همکاران (۱۹۹۸)، Tinker و همکاران (۲۰۰۰)، UNICEF (۲۰۰۱) و WHO (۲۰۰۸) اشاره کرد. با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش در پی پاسخ به این سوال که: "الگوهای غذایی در بین خانوارهای روستایی شهرستان جیرفت چه می باشند و چه عواملی بر این الگوها تاثیر دارند؟" می باشد.

## مرور ادبیات نظری

به لحاظ مفهومی امنیت غذایی، اصطلاحی بسیار پیچیده می باشد و علت آن تعامل گسترده ای است که با عوامل بیولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی دارد به همین دلیل ارایه تعریفی جامع از آن امکان پذیر نیست (Ahmad و همکاران، ۲۰۰۴: ۲۳). تعاریف متعددی از امنیت غذایی صورت پذیرفته است که کاملترین تعریف در نشست جهانی غذا در سال ۱۹۹۶ اینگونه بیان شد که دسترسی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی همه مردم در تمام زمان ها به غذای کافی، سالم و مغذی، به طوری که غذای در دسترس، نیازهای رژیم تغذیه ای سازگار با ترجیحات آنها را برای یک زندگی فعال و سالم فراهم سازد (FAO، ۱۹۹۶). طبق این تعریف امنیت غذایی دارای ابعاد پیچیده ای می باشد که یکی از آنها الگوی غذایی است. الگوی غذایی خوب دربرگیرنده رژیم غذایی متعادل و کافی همراه با فعالیت فیزیکی

است که می‌تواند سنگ بنای سلامت افراد باشد (WHO, 2014) و از جمله نیازهای بنیادی بشر است که تأمین آن در مقوله امنیت غذایی نهفته است (Dastgiri و همکاران، 2006: 234). امروزه ارتباط الگوی تغذیه با سلامت افراد جامعه کاملاً مورد تأیید و تأکید می‌باشد و به عنوان یکی از زمینه‌های مهم و برجسته‌ای که آشکارا بر سلامت انسانها نشان می‌دهد، می‌باشد (Riyahi, 2005: 102). رفتارهای تغذیه‌ای متأثر از الگوهای تغذیه‌ای، نه تنها از عوامل پیرامونی همچون عوامل مختلف بیولوژیکی، محیطی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد؛ بلکه عوامل فردی، مانند تحصیلات و جنسیت و شیوه زندگی نیز در آن نقش دارد (نمکین و همکاران، 1391: 265). نبود آگاهی کافی از تغذیه سالم در کنار نبود مشاوره آگاه در این زمینه، بر اتخاذ الگوی تغذیه به عنوان بخشی مهم در فرهنگ غذایی ناسالم مؤثر است (رمضانی و همکاران، 1391). در این راستا ضرورت دارد برنامه الگوی مصرف غذایی تدوین گردد که هدف آن هماهنگی میان الگوی تولید و مصرف در راستای برآورد نیازهای تغذیه‌ای و سلامت جامعه می‌باشد (Abdollahi و همکاران، 2011). با تعیین سبد غذایی و هزینه آن میتوان خط فقر را مشخص کرد (پورکاظمی و همکاران، 1388: 32). تعیین الگوی مصرف غذایی راهنمای مفیدی برای آموزش افراد، ارتقاء سواد غذایی و سیاست‌گذاری‌های تغذیه‌ای می‌باشد و همچنین به محققان کمک میکند. تا الگوهای موجود و ارتباط آنها با عوامل خطر بیماری‌ها را بهتر بشناسند. به علاوه، تحلیل الگوهای غذایی، راهنمای مفیدی برای تدوین توصیه‌های عملی تغذیه‌ای به مردم است. زیرا شرح توصیه‌ها در قالب الگوی مصرف غذایی برای مردم قابل فهم تر از بیان آنها به صورت مواد مغذی است (Djazayery, 2008: 69).

نکته مهم دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که الگوهای تغذیه‌ای در مکان‌های مختلف نیز متفاوت است. به عنوان نمونه الگوی تغذیه‌ای در شهر و روستا به دلیل فرهنگ‌ها، شیوه زندگی و یک سری عوامل دیگر متفاوت است. مرور پژوهش‌های پیشین بیانگر این است که مطالعات محدودی در ارتباط با الگوهای تغذیه‌ای و امنیت غذایی در روستاها انجام شده است، در ادامه برخی از این پژوهش‌ها ارائه شده‌اند:

Abebaw و همکاران (2010) در مطالعه خود اثر برنامه امنیت غذایی را بر مصرف غذای خانوارهای شمال غربی اتیوپی با استفاده از رهیافت لججیت بررسی کردند. نتایج مطالعه ایشان نشان داد که متغیر IFSP اثر معنی‌داری بر مقدار دریافت کالری مواد غذایی دارد؛ همچنین IFSP به صورت گسترده‌ای به عواملی همچون بعد خانوار، مالکیت زمین، جنسیت سرپرست خانوار بستگی دارد.

در مطالعه ای Caglayan and Dayioglu (2011) به بررسی عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای ترکیه در سال 2008 پرداختند. برای این منظور از دو رهیافت لججیت پارامتری و شبه پارامتری استفاده شد. نتایج بررسی نشان داد که متغیرهای شغل سرپرست خانواده، درآمد و سهم نیروی کار خانوادگی و منطقه عوامل مؤثر و تعیین کننده سطح فقر در این کشور هستند.

Bashir و همکاران (2012) در مقاله ای عوامل مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی را در سه منطقه استان پنجاب پاکستان بررسی کردند. آنها در این مطالعه از مدل رگرسیون لججیت دودویی استفاده کردند. نتایج این مطالعه نشان داد؛ درآمد ماهیانه و تعداد دام خانوار در سه منطقه اثر مثبت و اندازه خانوار اثر منفی و معنادار بر ایجاد امنیت غذایی و الگوی غذایی داشته‌اند.

Malik و همکاران (2012) نیز اثر و کارایی متغیرهای جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر فقرزدایی و امنیت غذایی را در روستاهای استان پنجاب پاکستان بررسی کردند. نتایج مطالعه ایشان، نشان داد عوامل اجتماعی-اقتصادی نقش مهمی در کاهش فقر و بهبود شرایط زندگی روستاییان دارند.

پورقاسم و همکاران (2013) در بررسی عوامل مؤثر بر تغذیه روستاییان شهرستان کرمانشاه، به متغیرهای فرهنگ غذایی و دانش تغذیه‌ای، به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر الگوی مصرف و مقدار مصرف گروه‌های مختلف غذایی

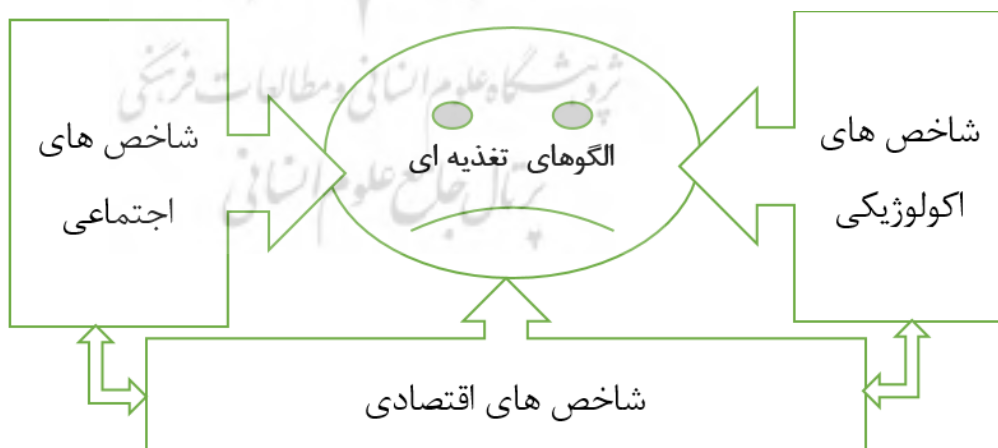
اشاره کردند. آنها بیان می‌کنند که عواملی چون: فرهنگ غذایی خاص منطقه، کمبود دانش تغذیه‌ای، فقر و پایین بودن درآمد، نبود دسترسی دائم به مواد غذایی و گران بودن قیمت مواد غذایی، بر پایین بودن میزان مصرف مواد غذایی، مانند گوشت و سبزیجات و میوه‌ها در خانوارهای روستایی شهرستان کرمانشاه مؤثر است.

صالحی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی موثر بر گرایش روستاییان به کشاورزی پایدار در روستاهای شهرستان بابلسر پرداختند. نتایج نشان داد که روستاییان نسبت به کشاورزی پایدار گرایش کمی داشتند. بررسی وضعیت نگرش زیست محیطی و پایبندی روستاییان به ارزش‌های زیست محیطی نیز مطلوب بود. سطح اعتماد اجتماعی روستاییان و نیز میزان بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی متوسط رو به پایین بود. در بین عوامل مورد بررسی، نگرش زیست محیطی، ارزش‌های زیست محیطی و سن بر گرایش به کشاورزی پایدار، بیشترین تأثیر را داشتند.

سجاسی قیداری (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی و سنجش سطح دارایی‌های معیشتی در مناطق روستایی شهرستان تایباد با رویکرد معیشت پایدار پرداختند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین روستاهای مورد مطالعه از نظر برخورداری از دارایی‌های معیشتی تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد که سهم دارایی اجتماعی با میانگین رتبه ۳,۵۹ در مقایسه با سایر دارایی‌ها در بین روستاهای مورد مطالعه بیشتر است که نشان از یک پارچگی، همبستگی و انسجام اجتماعی در بین روستاهای مورد مطالعه است.

زراعت کیش و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی عوامل موثر بر امنیت غذایی در خانوارهای کشاورز روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد پرداختند. نتایج نشان داد که درآمد سرپرست خانوار نسبت به مخارج خوراکی به مخارج کل خانوار و اندازه مزرعه تأثیر مثبتی بر امنیت غذایی خانوار داشته است. از طرف دیگر، جنسیت سرپرست خانوار، وضع سواد سرپرست خانوار و اندازه خانوار رابطه‌ای منفی با امنیت غذایی خانوار داشته‌اند.

حیدری ساریان و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار کشاورزی در مناطق روستایی استان کرمانشاه پرداختند. نتایج نشان داد، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از تغییرات توسعه پایدار کشاورزی را تبیین می‌کنند و وجود سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی، نقش کلیدی و مهمی را در توسعه روستایی داراست. در این پژوهش با الهام از تحقیقات پیشین سه دسته شاخص شامل: شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی به عنوان شاخص‌های تبیین‌کننده الگوهای تغذیه‌ای ارائه شده‌اند (شکل ۱):

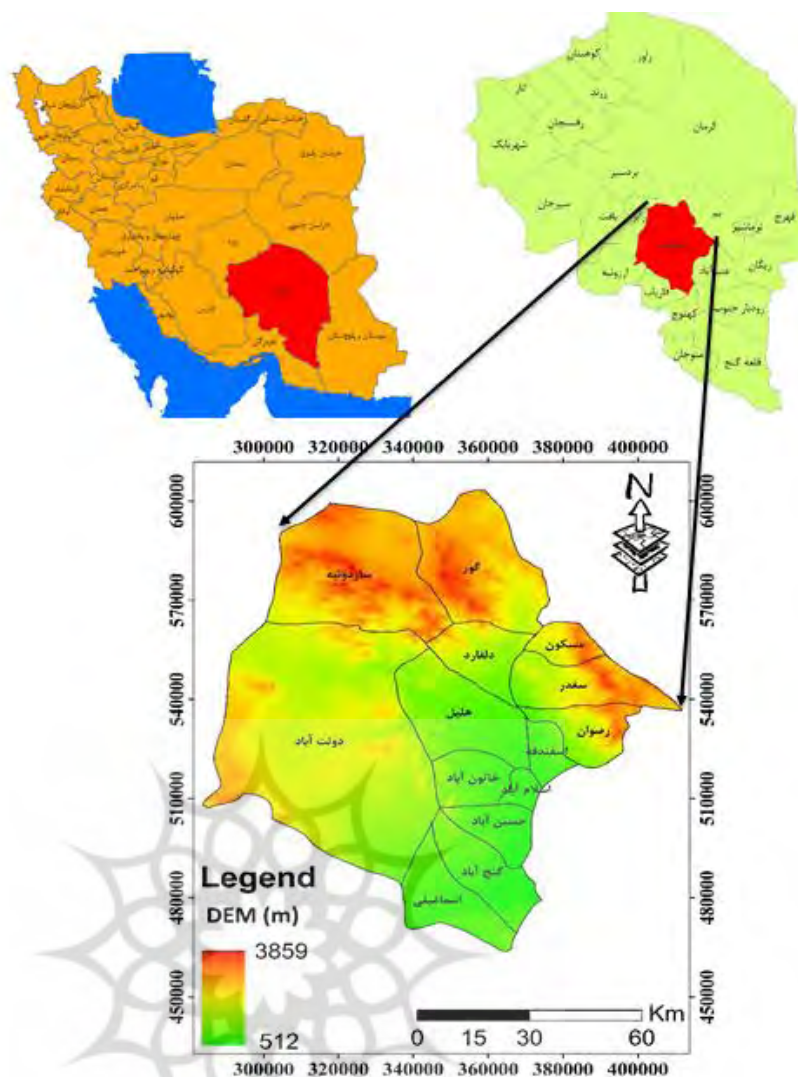


شکل ۱: مدل تئوریک تبیین‌کننده الگوهای تغذیه‌ای (ماخذ: نگارنده‌گان)

## مواد و روش‌ها

## منطقه مورد مطالعه:

شهرستان جیرفت با وسعتی معادل ۹۱۲۷ کیلومتر مربع در جنوب استان کرمان در مختصات  $۴۵^{\circ} ۵۶'$  تا  $۳۱^{\circ} ۵۸'$  طول جغرافیایی و  $۲۸^{\circ} ۱۰'$  تا  $۲۹^{\circ} ۲۰'$  عرض جغرافیایی قرار گرفته است و از شمال به شهرستان کرمان، از شمال غرب و غرب به شهرستان بافت و رابر، از جنوب به شهرستان کهنوچ و از شرق و جنوب شرقی به شهرستان‌های بم و عنبرآباد محدود می‌شود. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری و نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ دارای ۵۱۴ آبادی با جمعیتی برابر با ۲۶۵۰۰۰ هزار نفر می‌باشد که ۵۸ درصد از این جمعیت ۱۵۴۰۰۰ نفر ساکن مناطق شهری و ۴۲ درصد ۱۱۱۰۰۰ نفر ساکن مناطق روستایی می‌باشند و مشتمل بر چهار بخش مرکزی، جبال بارز، ساردوئیه و اسماعیلی و سه شهر جیرفت، جبال بارز و درب بهشت است. شهر جیرفت مرکزیت اداری و سیاسی این شهرستان را دارا است؛ و در فاصله ۲۵۰ کیلومتری مرکز استان قرار دارد (بی‌باک و همکاران، ۱۳۹۶). شکل ۲ موقعیت فضایی شهرستان جیرفت را نشان می‌دهد. منطقه جیرفت به دلیل وسعت زیاد در جلگه‌های مرکزی و جنوب و نزدیکی به سواحل خلیج فارس و عوامل دیگر، دارای آب و هوای گرم است که در تابستان به بیش از ۵۰ درجه سانتیگراد میرسد و با آب و هوای بندرعباس تفاوت چندانی ندارد. در نواحی کوهستانی هوا معتدل و سرد می‌باشد. فواصلی که مناطق گرمسیری و سردسیری را از هم جدا میکند بسیار کوتاه است و همین امر موجب تنوع در کشت محصولات گرمسیری و سردسیری شده است. بر اساس اطلاعات به دست آمده از سازمان هواشناسی استان کرمان، ارتفاع شهرستان از حداقل ۵۱۲ متر در شهر جیرفت و ۳۸۵۹ متر در ارتفاعات ساردوئیه می‌رسد، پایینترین دمای ثبت شده ۳۰- درجه در منطقه سریژن و بالاترین دمای ثبت شده ۵۰+ درجه سانتیگراد در جیرفت است. طی آمار یک دوره بلند مدت کمترین میزان بارندگی در سطح شهرستان به دشت جیرفت به میزان ۱۸۲ میلیمتر و بیشترین میزان ۳۵۰ تا ۴۰۰ میلیمتر به مناطق جبالبارز شمالی، دلفارد و درب بهشت اختصاص دارد (برخوری، ۱۳۹۶: ۴۲).



شکل ۲: منطقه مورد مطالعه

### روش‌شناسی

تحقیق حاضر با توجه به ماهیت اهداف آن بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. گردآوری اطلاعات در مبنای نظری و پیشینه تحقیق بر مبنای روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک و تحقیقات در ابعاد مختلف مساله اصلی پژوهش و عوامل تبیین کننده آن انجام شده است. برای تهیه داده‌های مورد نیاز شاخص‌های امنیت غذایی و عوامل تاثیر گذار بر آن از تکنیک‌های گردآوری داده‌ها: "مصاحبه و پیمایش با ابزار پرسشنامه" و "تکنیک آمار و تحلیل ثانویه داده‌ها" به طور مکمل استفاده شده است.

این پژوهش به لحاظ رویکرد تبیینی متأثر از جغرافیای ساختاری، اکولوژیک و سیستمی می‌باشد. در جغرافیای ساختاری، دوگانگی روابط متقابل میان ساختار و عاملیت (انسان) و پیوستگی میان این دو در زمان و فضا تبیین می‌شود. در اندیشه دوگانگی، ساختارها، هم‌میانجی و هم نتیجه عملکردهای اجتماعی است. این تفکر گیدنز، در همه مکان‌ها، بازتولید نظام‌های اجتماعی در زمان و فضا را بر عهده بازیگران آگاه (انسان) می‌گذارد. بازتولید نظام‌های اجتماعی، همواره از شرایط مکانی و تاریخی برخوردار است. بدینسان که آگاهی بازیگران صحنه زندگی غالباً با محدودیت عوامل ناآگاه روبرو می‌باشد. جغرافیای ساختاری بر این باور است که علل و گسترش جغرافیایی امراض، بیش از شیوه زندگی افراد، به نظام‌های سیاسی و اقتصادی کشورها وابسته است. جغرافیای ساختاری منشا امراض و

به خطر افتادن سلامتی عمومی را بیشتر ناشی از فقری می‌داند که در سرمایه‌داری جهان سومی کمتر به ریشه‌های آن توجه می‌شود.

به نظر محققان جغرافیای اکولوژیک اساس زندگی انسانی تحت تاثیر شرایط محیط طبیعی قرار می‌گیرد. آنها استدلال می‌کنند که، در کشورهای توسعه نیافته، سلامتی، رفتار و فعالیت‌های انسانی را، تا حدودی تغییرات پدیده‌های جوی نظیر: سیلاب‌ها، یخبندان‌ها، خشکسالی‌ها و طوفان‌ها تعیین می‌کند. در عصر ما و در علم جغرافیا، نتایج حاصل از روابط انسان و محیط و تغییرات ناشی از این روابط، با توجه به شرایط تکنولوژیک و توان اجتماعی-اقتصادی جوامع در تسلط بر نیروهای طبیعی، از موارد مهم در ارزیابی روابط انسان و محیط شناخته می‌شود.

در تحلیل سیستمی از مسایل جغرافیایی، تاکید بر نظام و الگوی فضای زندگی است. شرط لازم در هر سیستم فضای جغرافیایی، موضوع نیازهاست. وحدت فضای جغرافیایی، یک وحدت کارکردی است.

سنجش و عملیاتی‌سازی:

در این پژوهش طی یک فرایند پژوهشی نظام مند با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه الگوهای غذایی در دو قسمت چگونگی علایق غذایی و چگونگی مصرف هفتگی سنجش شد. همچنین عوامل موثر بر الگوهای غذایی در بین خانوارهای روستایی با تکنیک‌های مشابه و ابزار پرسشنامه سنجش شدند.

حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران ۲۹۰ خانوار تعیین شد.

فرمول نمونه‌گیری:

$$n = \frac{Z^2 P(1-P)}{d^2}$$

n= اندازه حجم نمونه

Z= متغیر در توزیع نرمال مربوط به منحنی گاوس است که از جدول مربوط در سطح احتمال مورد نظر استخراج می‌شود.

P= درصد توزیع صفت در جامعه یا میزان شیوع انتظار و یا نسبت ابتلا به بیماری یا شرایط مورد نظر

q= احتمال عدم وجود صفت در جامعه

d= دقت احتمالی مطلوب

مقادیر p, q, d و Z به ترتیب ۰/۲۵، ۰/۷۵، ۰/۰۵ و ۱/۹۶ در نظر گرفته شد.

با توجه به گستردگی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای برای انتخاب سکونتگاه‌های روستایی و از روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک برای انتخاب خانوارها در هر روستا استفاده شد.

برای تحلیل داده‌های گردآوری شده با توجه به تعدد الگوهای غذایی با استفاده از تحلیل عاملی، علایق غذایی در چهار عامل و الگوهای مصرف مواد غذایی نیز در سه عامل با روش واریماکس استخراج شدند.

روایی و پایایی:

برای تامین روایی ابزارهای استفاده شده ابتدا با استفاده از روایی محتوایی پرسشنامه مورد ارزیابی قرار گرفت. در ادامه بعد از گردآوری داده‌ها، با استفاده از روایی سازه‌ای اعتبار ابزار مورد استفاده مورد تایید قرار گرفت (نگاه کنید به

همگنی شاخص‌های هم‌واریانس در هر عامل). برای تامین پایایی مقیاس علایق و الگوهای تغذیه‌ای، از آماره آلفای کراباخ (Cronbach's Alpha) استفاده شد (جدول ۱). یافته‌های حاصل از آزمون پایایی مقیاس را در حد قابل

قبولی ارزیابی کرد.

جدول ۱: پایای مقیاس های علائق غذایی و الگوهای مصرف

مقیاس	تعداد شاخص	آلفای کرونباخ
علائق غذایی	۱۱	۰/۸۶
الگوهای مصرف	۱۱	۰/۷۵

یافته های حاصل از تحلیل عاملی علائق تغذیه ای نشان داد این شاخص ها روی چهار عامل واریانس دارند:

عامل اول: علاقه به لبنیات، حبوبات، غلات، میوه و سبزیجات و مرغ

عامل دوم: علاقه به گوشت قرمز و ماهی و میگو

عامل سوم: علاقه به مصرف روغن جامد، مواد قندی و شیرین و سوسیس، کالباس، کنسرو و ...

عامل چهارم: علاقه به غذای کم چرب و کم نمک مانند: خورش کم روغن، تخم مرغ آب پز و ...

همچنین یافته های حاصل از تحلیل عاملی الگوهای تغذیه ای نشان داد این شاخص ها روی سه عامل زیر واریانس دارند:

عامل اول: مصرف روغن حیوانی و روغن جامد؛ قند، شکر، شیرینی؛ شیر، ماست، کشک و پنیر؛ میوه و سبزیجات؛ برنج؛ حبوبات

عامل دوم: مصرف غذای کم چرب و کم نمک مانند: خورش کم روغن، تخم مرغ آب پز و ...؛ ماهی و میگو و مرغ

عامل سوم: مصرف گوشت قرمز (گوسفند و گوساله)؛ مصرف سوسیس، کالباس و غذای کنسرو شده

تجزیه و تحلیل داده ها:

یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها در دو بخش توصیفی و تحلیلی در ادامه ارائه شده اند:

یافته های توصیفی:

الف- علائق غذایی خانوارهای روستایی: کمترین علاقه غذایی خانوارهای نمونه به مصرف ماهی و میگو (با میانگین ۱,۸۴) و بیشترین علاقه به مصرف برنج با میانگین ۳,۶۳ در طیف ۴ قسمتی بوده است.

ب- چگونگی مصرف مواد غذایی خانوارهای روستایی: خانوارهای نمونه (چند بار در هفته): خانوارهای روستایی نمونه در هفته بیشتر؛ برنج (با میانگین ۴,۹۹ بار در هفته)، مواد قندی مصنوعی مانند قند، شکر و شیرینی (با میانگین ۴,۷۱ بار در هفته) و لبنیات (با میانگین ۴,۷ بار در هفته) و کمتر ماهی و میگو (با میانگین ۶۱,۱ بار در هفته) مصرف می کنند.

ج- وضعیت شاخص های اکولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی خانوارهای روستایی:

۱- وضعیت اجتماعی- اقتصادی: عمده ترین منبع درآمد سرپرستان خانوارهای روستایی نمونه این پژوهش از مشاغل زیر بوده است: ۴۲,۵ درصد از کشاورزی و دامداری، ۲۱,۶ درصد کارگری، ۱۸,۶ درصد کارمند و بازنشسته، ۶,۵ درصد مشاغل آزاد معمولی، ۱۹,۸ درصد از یارانه و کمک فرزندان، ۰,۷ درصد کشاورزی و کارمندی و ۰,۴ درصد از مشاغل آزاد پردرآمد.

همچنین عمده ترین مسایل اجتماعی اقتصادی که خانوارهای روستایی در حد زیاد نگران آنها بوده اند عبارتند از: هزینه ها و خرج روزانه زندگی (۶۴,۷ درصد)، هزینه تحصیل فرزندان (۴۷,۱ درصد)، هزینه ازدواج و عروسی فرزندان (۴۳ درصد)، هزینه بالای کشت و نگهداری محصول، خرید دام و مایحتاج آن (۳۶,۱ درصد) و نگرانی از کاهش قیمت فروش محصولات (۳۴,۶ درصد).

مهمترین مشکلات اقتصادی عام روستاهای مورد بررسی: فقدان و نامناسب بودن زیر ساخت های اشتغال، بیکاری، فقر، کمبود آب و زمین کشاورزی، خشک سالی، قیمت پایین محصولات کشاورزی می باشد.



## یافته‌های تحلیلی

با توجه به خروجی مدل تحلیل عاملی و ناهمگونی الگوهای مصرف مواد غذایی، برای آزمون مدل تئوریک الگوهای غذایی، مصرف هفتگی خانوار در سه دسته؛ (الف- مصرف غذای کم چرب و کم نمک مانند: خورش کم روغن، تخم مرغ آب پز و...؛ ماهی و میگو و مرغ ب- مصرف روغن حیوانی و روغن جامد؛ قند، شکر، شیرینی؛ شیر، ماست، کشک و پنیر؛ میوه و سبزیجات؛ برنج؛ حبوبات ج- مصرف گوشت قرمز (گوسفند و گوساله)؛ مصرف سوسیس، کالباس و غذای کنسرو شده) در نظر گرفته شد. سپس هر کدام از الگوهای مصرف به عنوان متغیر وابسته وارد مدل رگرسیونی شد. یافته‌های حاصل از آزمون رگرسیون چند متغیری نشان داد شاخص‌های اقتصادی مهمترین شاخص‌های تاثیر گذار بر الگوی های غذایی روستاییان می باشند (جدول ۲، ۳).

الف- مدل تبیینی مصرف غذای کم چرب و کم نمک مانند: خورش کم روغن، تخم مرغ آب پز؛ ماهی و میگو و مرغ

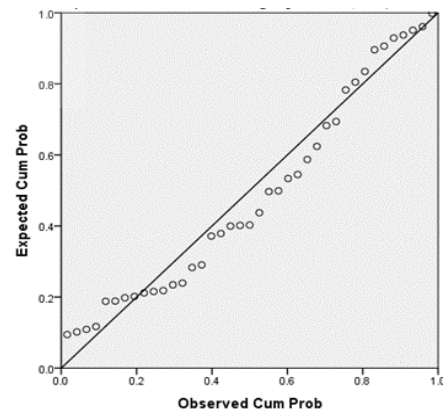
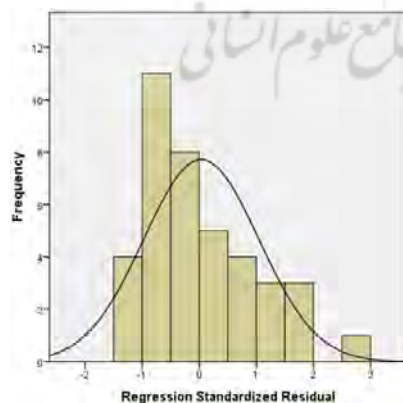
جدول ۲: تاثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی بر مصرف غذای کم چرب و کم نمک

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد تخمینی	تغییرات آماری				
				تغییر ضریب تعیین	F Change	df1	df2	Sig. F Change
۰/۵۱a	۰/۲۶	۰/۲۴	۰/۹۲	۰/۲۶	۱۱/۶۱	۱	۳۲	۰/۰
متغیر مستقل: درآمد ماهیانه خانوار								
متغیر وابسته: مصرف غذای کم چرب و کم نمک مانند: خورش کم روغن، تخم مرغ آب پز و...؛ ماهی و میگو و مرغ								

جدول ۳: آنالیز واریانس رگرسیونی در مدل تبیینی اثرات درآمد خانوار بر مصرف غذای کم چرب و کم نمک

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۹/۹۲	۱	۹/۹۲	۱۱/۶۱	۰b
باقی مانده	۲۷/۳۵	۳۲	۰/۸۵		
کل	۳۷/۲۸	۳۳			
متغیر مستقل: درآمد ماهیانه خانوار					
متغیر وابسته: مصرف غذای کم چرب و کم نمک مانند: خورش کم روغن، تخم مرغ آب پز و...؛ ماهی و میگو و مرغ					

همچنین شکل ۳ نمودار باقیمانده‌های رگرسیونی در مدل تبیینی اثرات درآمد خانوار بر مصرف غذای کم چرب و کم نمک را نشان می‌دهد.



شکل ۳: نمودار باقیمانده‌های رگرسیونی در مدل تبیینی اثرات درآمد خانوار بر مصرف غذای کم چرب و کم نمک

ب- مدل تبیینی مصرف حیوانات، برنج، میوه و سبزیجات، لبنیات و شیرینی: هیچکدام از عوامل وارد شده در مدل؛ (شامل درآمد ماهیانه، قیمت فروش محصولات کشاورزی، دزدی محصولات کشاورزی خانواده، آسیب دیدن مزارع و باغات خانواده روستایی از سرمازدگی یا خشک سالی) بر مصرف حیوانات، برنج، میوه و سبزیجات، لبنیات و شیرینی تاثیر معنی داری نشان ندادند.

ج- مدل تبیینی مصرف گوشت گوسفند و گوساله، سوسیس و کالباس و غذاهای کنسرو شده: تاثیر عوامل اقتصادی (درآمد ماهیانه)-اجتماعی (قیمت فروش محصولات کشاورزی، دزدی محصولات کشاورزی) و اکولوژیکی (آسیب دیدن مزارع و باغات خانواده روستایی از سرمازدگی یا خشک سالی) بر مصرف گوشت گوسفند و گوساله، سوسیس و کالباس و غذاهای کنسرو شده را نشان می‌دهد (جدول ۴).

جدول ۴: تاثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی بر مصرف گوشت قرمز و غذاهای کنسرو شده

ضرب	ضرب همبستگی	ضرب تعیین شده	خطای استاندارد برآورد	Change Statistics				
				تغییر ضرب تعیین	F Change	df1	df2	Sig. F Change
۰/۵۲ b	۰/۲۷	۰/۲۲	۰/۹۴	۰/۱۱	۴/۵۶	۱	۳۱	۰/۰۴
متغیرهای مستقل: قیمت فروش محصولات کشاورزی، درآمد ماهیانه خانوار								
متغیر وابسته: مصرف گوشت گوسفند و گوساله، سوسیس و کالباس و غذاهای کنسرو شده								

جدول ۵ نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه بین مصرف گوشت گوسفند و گوساله، سوسیس و کالباس و غذاهای کنسرو شده با درآمد ماهیانه و قیمت فروش محصولات کشاورزی خانوار را نشان می‌دهد.

جدول ۵: تحلیل واریانس یک طرفه بین درآمد ماهیانه و قیمت فروش محصولات کشاورزی و متغیرهای وابسته

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۹/۹۱	۲	۴/۹۵	۵/۶۴	۰/۰۱ c
باقی مانده	۲۷/۲۵	۳۱	۰/۸۸		
مجموع	۳۷/۱۶	۳۳			
متغیرهای مستقل: قیمت فروش محصولات کشاورزی، درآمد ماهیانه خانوار					
متغیر وابسته: مصرف گوشت گوسفند و گوساله، سوسیس و کالباس و غذاهای کنسرو شده					

همانطور که در مدل های رگرسیونی مشاهده شد، عوامل اقتصادی و به ویژه درآمد و اشتغال مهمترین عامل تبیین کننده الگوهای غذایی در بین روستاییان است. اما چنانکه عمیق تر به موضوع نگاه کنیم می بینیم که درآمد در واقع نوک پیکان مجموعه عوامل اکولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی است و خود به عنوان معلول و متغیر واسطه ای این معادله نقش ایفاء می کند. یافته های حاصل از آزمون رگرسیون چندگانه نشان داد چهار عامل؛ "سرمازدگی محصول کشاورزی"، "خسارت ناشی از خشکسالی"، "دزدیده شدن محصولات کشاورزی" و "قیمت محصولات کشاورزی" در تعامل با یکدیگر  $R^2 = 0/94$  از واریانس درآمد خانوارهای روستایی را تبیین می‌کند (جدول ۶).

جدول ۶: آماره های مربوط به برازش مدل تاثیر ارتباط بین درآمدهای خانوار روستایی و متغیرهای مستقل

آماره دورین واتسون	خطای استاندارد برآورد	ضرب همبستگی تعیین شده	ضرب تعیین	ضرب همبستگی
۱/۲۷	۰/۲۴	۰/۹۴	۰/۹۴	d۰/۹۷

پیش بینی شونده، سرمازدگی محصول کشاورزی، قیمت محصولات کشاورزی، دزدیده شدن محصولات کشاورزی، خسارت ناشی از خشکسالی
a. متغیر وابسته: درآمد خانوار روستایی

جدول ۷، تحلیل واریانس یک طرفه بین درآمد ماهیانه و قیمت فروش محصولات کشاورزی خانوار و متغیرهای وابسته را نشان می دهد.

جدول ۷: تجزیه واریانس رگرسیون بین درآمدهای خانوار روستایی و متغیرهای مستقل

معنی داری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
e <sup>0</sup>	۷۴۱/۲۹	۴۴/۰۳	۴	۱۷۶/۱۳	رگرسیون
		۰/۰۶	۱۸۳	۱۰/۸۷	باقی مانده
			۱۸۷	۱۸۷	مجموع

a. متغیر وابسته: درآمد خانوار روستایی

e. پیش بینی شونده (ثابت)، سرمازدگی محصول کشاورزی، قیمت محصولات کشاورزی، دزدیده شدن محصولات کشاورزی، خسارت ناشی از خشکسالی

بر اساس جدول ۸، ضرایب رابطه رگرسیون بین درآمدهای خانوارهای روستایی با سرمازدگی محصولات کشاورزی، قیمت محصولات کشاورزی، دزدیده شدن محصولات کشاورزی و خسارت ناشی از خشکسالی آورده شده است.

جدول ۸: ضرایب رابطه رگرسیون بین درآمدهای خانوار روستایی و متغیرهای مستقل

معنی داری	t	ضرایب استاندارد شده		B	Std. Error
		Beta	Std. Error		
۰	-۴۷/۲۴			-۱/۷۷	۰/۰۳
۰	۹/۲۵	۰/۳۹	۰/۰۳	۰/۲۹	۰/۰۳
۰	۶/۵۴	۰/۲۴	۰/۰۳	۰/۱۸	۰/۰۳
۰	۶/۵۷	۰/۲۰	۰/۰۲	۰/۱۶	۰/۰۲
۰	۵/۳۹	۰/۱۹	۰/۰۲	۰/۱۵	۰/۰۲

a. متغیر وابسته: درآمد خانوار روستایی

در جدول ۹ نیز متغیرهای کنار گذاشته شده از مدل رگرسیونی را نشان می دهد.

جدول ۹: متغیرهای حذف شده از رابطه رگرسیونی

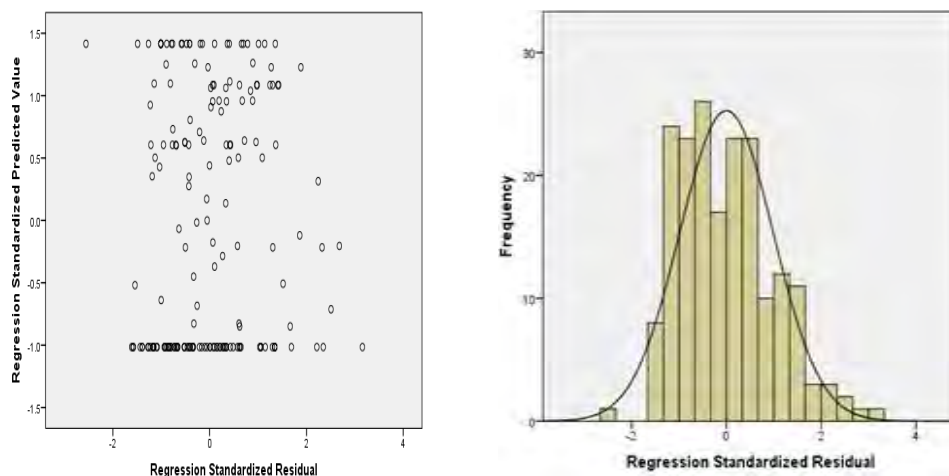
معنی داری	همبستگی جزئی	t	Beta In	همبستگی آماری	
				تولرانس	تولرانس
۰	۰/۴۰	۶/۰۸	b <sup>0</sup> /۲۸	۰/۲۵	۰/۲۵
۰	۰/۶۰	۱۰/۳۰	b <sup>0</sup> /۴۰	۰/۲۹	۰/۲۹
۰	۰/۵۵	۹/۰۶	b <sup>0</sup> /۳۱	۰/۳۹	۰/۳۹
۰	۰/۳۳	۴/۷۶	c <sup>0</sup> /۱۹	۰/۲۳	۰/۲۳
۰	۰/۴۰	۶/۰۳	c <sup>0</sup> /۲۰	۰/۳۲	۰/۳۲
۰	۰/۳۷	۰/۳۹	d <sup>0</sup> /۱۹	۰/۲۳	۰/۲۳

a. متغیر وابسته: درآمد خانوار روستایی

b. متغیرهای پیش بینی کننده در مدل: سرمازدگی محصول کشاورزی

c. متغیرهای پیش‌بینی کننده در مدل: سرمایه‌گذاری محصول کشاورزی، قیمت محصولات کشاورزی
d. متغیرهای پیش‌بینی کننده در مدل: سرمایه‌گذاری محصول کشاورزی، قیمت محصولات کشاورزی، دزدیده شدن محصولات کشاورزی

شکل ۴: نمودار باقیمانده‌های رگرسیونی مدل تبیین کننده درآمد خانوارهای روستایی را نشان می‌دهد.



شکل ۴: نمودار باقیمانده‌های رگرسیونی مدل تبیین کننده درآمد خانوارهای روستایی

ب- مدل تبیینی مصرف حبوبات، برنج، میوه و سبزیجات، لبنیات و شیرینی: هیچکدام از عوامل وارد شده در مدل؛ (شامل درآمد ماهیانه، قیمت فروش محصولات کشاورزی، دزدی محصولات کشاورزی خانواده، آسیب دیدن مزارع و باغات خانواده روستایی از سرمایه‌گذاری یا خشک سالی) بر مصرف حبوبات، برنج، میوه و سبزیجات، لبنیات و شیرینی تاثیر معنی داری نشان ندادند.

ج- مدل تبیینی مصرف گوشت گوسفند و گوساله، سوسیس و کالباس و غذاهای کنسرو شده: تاثیر عوامل اقتصادی (درآمد ماهیانه) - اجتماعی (قیمت فروش محصولات کشاورزی، دزدی محصولات کشاورزی) و اکولوژیکی (آسیب دیدن مزارع و باغات خانواده روستایی از سرمایه‌گذاری یا خشک سالی) بر مصرف گوشت گوسفند و گوساله، سوسیس و کالباس و غذاهای کنسرو شده را نشان می‌دهد (جدول ۴).

جدول ۴: تاثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی بر مصرف گوشت قرمز و غذاهای کنسرو شده

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب همبستگی تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	Change Statistics				
				تغییر ضریب تعیین	F Change	df1	df2	Sig. F Change
.۵۱۶۵	.۲۶۷	.۲۱۹	.۹۳۷	.۱۰۸	۴.۵۵۸	۱	۳۱	.۰۴۱
متغیرهای مستقل: قیمت فروش محصولات کشاورزی، درآمد ماهیانه خانوار								
متغیر وابسته: مصرف گوشت گوسفند و گوساله، سوسیس و کالباس و غذاهای کنسرو شده								

جدول ۵ نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه بین مصرف گوشت گوسفند و گوساله، سوسیس و کالباس و غذاهای کنسرو شده با درآمد ماهیانه و قیمت فروش محصولات کشاورزی خانوار را نشان می‌دهد.

جدول ۵: تحلیل واریانس یک طرفه بین درآمد ماهیانه و قیمت فروش محصولات کشاورزی و متغیرهای وابسته

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
۲ رگرسیونی	۹.۹۱۱	۲	۴.۹۵۶	۵.۶۳۸	.۰۰۸۵

باقیمانده ها	۲۷.۲۴۹	۳۱	۸۷۹		
کل	۳۷.۱۶۱	۳۳			
متغیرهای مستقل: قیمت فروش محصولات کشاورزی، درآمد ماهیانه خانوار					
متغیر وابسته: مصرف گوشت گوسفند و گوساله، سوسیس و کالباس و غذاهای کنسرو شده					

همانطور که در مدل های رگرسیونی مشاهده شد، عوامل اقتصادی و به ویژه درآمد و اشتغال مهمترین عامل تبیین کننده الگوهای غذایی در بین روستاییان است. اما چنانکه عمیق تر به موضوع نگاه کنیم می بینیم که درآمد در واقع نوک پیکان مجموعه عوامل اکولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی است و خود به عنوان معلول و متغیر واسطه ای این معادله نقش ایفاء می کند. یافته های حاصل از آزمون رگرسیون چندگانه نشان داد چهار عامل؛ "سرمازدگی محصول کشاورزی"، "خسارت ناشی از خشکسالی"، "دزدیده شدن محصولات کشاورزی" و "قیمت محصولات کشاورزی" در تعامل با یکدیگر  $R^2 = ۰/۹۴$  از واریانس درآمد خانوارهای روستایی را تبیین می کند (جدول ۶).

جدول ۶: آماره های مربوط به برازش مدل تاثیر ارتباط بین درآمدهای خانوار روستایی و متغیرهای مستقل

آماره دورین واتسون	خطای استاندارد برآورد	ضریب همبستگی تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	مدل
۱.۲۶۷	۲۴۳۷۱۹۷۵	۰.۹۴۱	۰.۹۴۲	۰.۹۷۱	۴
متغیر وابسته: درآمد خانوار روستایی					
متغیرهای مستقل: سرمازدگی محصول کشاورزی، قیمت محصولات کشاورزی، دزدیده شدن محصولات کشاورزی، خسارت ناشی از خشکسالی					

جدول ۷، تحلیل واریانس یک طرفه بین درآمد ماهیانه و قیمت فروش محصولات کشاورزی خانوار و متغیرهای وابسته را نشان می دهد.

جدول ۷: تجزیه واریانس رگرسیون بین درآمد خانوار روستایی و متغیرهای مستقل

سطح معنی داری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
۰e	۷۴۱/۲۹	۴۴/۰۳	۴	۱۷۶/۱۳	رگرسیونی
		۰/۰۶	۱۸۳	۱۰/۸۷	باقیمانده ها
			۱۸۷	۱۸۷	کل
متغیر وابسته: درآمد خانوار روستایی					
متغیرهای مستقل: سرمازدگی محصول کشاورزی، قیمت محصولات کشاورزی، دزدیده شدن محصولات کشاورزی، خسارت ناشی از خشکسالی					

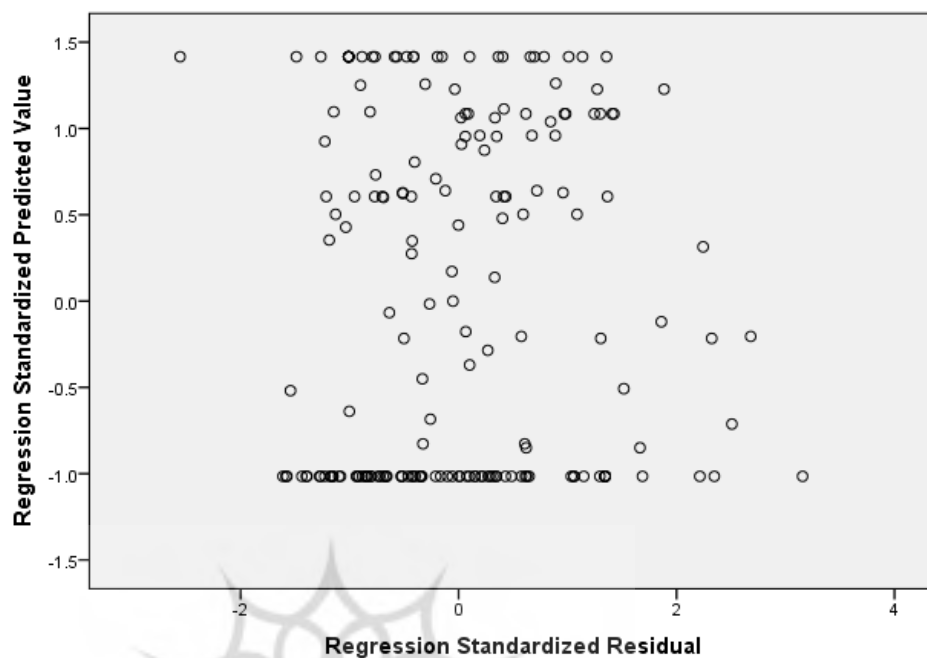
چنانکه در جدول ۸ مشاهده می شود به ترتیب متغیرهای: سرمازدگی، قیمت، دزدیده شدن و خسارت ناشی از خشکسالی محصولات کشاورزی بیشترین تاثیرات را بر درآمد خانوارهای روستایی داشته اند.

جدول ۸: ضرایب رابطه رگرسیون بین درآمد خانوار روستایی و متغیرهای مستقل

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t	Sig.
	B	Std. Error			
۴	مقدار ثابت	-۱/۷۷	۰/۰۳	-۴۷/۲۴	۰
	سرمازدگی محصول کشاورزی	۰/۲۹	۰/۰۳	۰/۳۹	۰
	قیمت محصولات کشاورزی	۰/۱۸	۰/۰۲	۰/۲۴	۰
	دزدیده شدن محصولات کشاورزی	۰/۱۶	۰/۰۲	۰/۲۰	۰

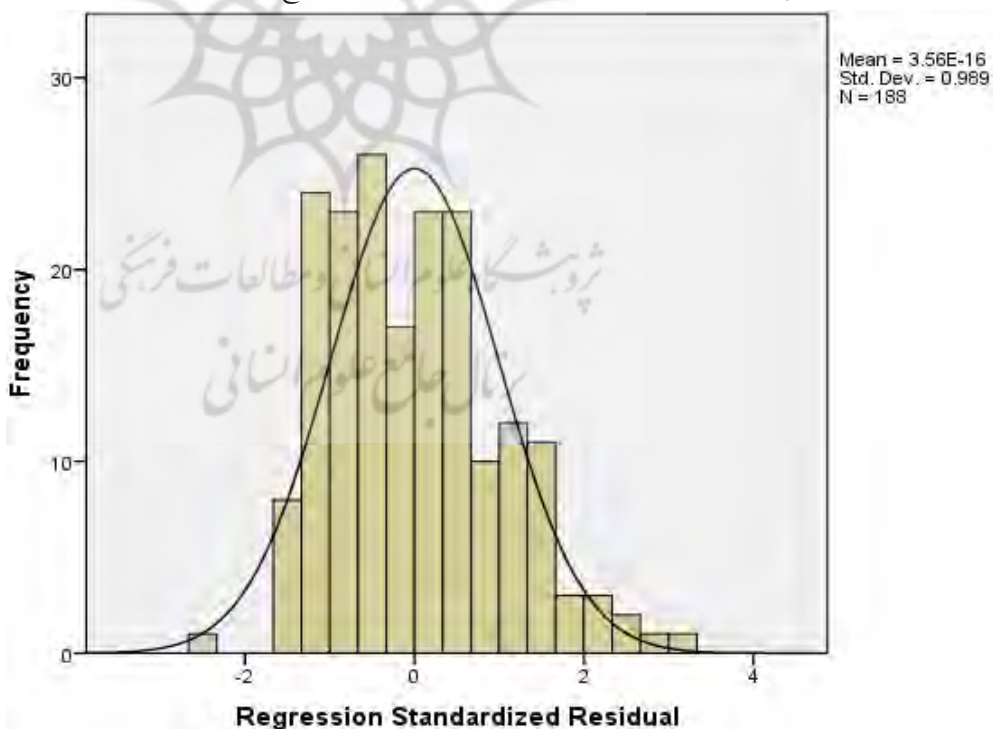
۰	۵/۳۹	۰/۱۹	۰/۰۲	۰/۱۴	خسارت ناشی از خشکسالی
متغیر وابسته: درآمد خانوار روستایی					

شکل ۵، نمودار باقیمانده های رگرسیونی مدل تبیین کننده درآمد خانوارهای روستایی را نشان می‌دهد.



شکل ۵: نمودار باقیمانده های رگرسیونی مدل تبیین کننده درآمد خانوارهای روستایی

همچنین چنانکه در شکل ۶ مشاهده می‌شود باقیمانده های معادله رگرسیونی توزیع نرمالی دارند.



شکل ۶: نمودار باقیمانده های رگرسیونی مدل تبیین کننده درآمد خانوارهای روستایی

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از اهداف توسعه کاهش فقر و گرسنگی است و امنیت غذایی به عنوان یکی از اهداف توسعه ملی و از راهکارهای مهم مبارزه با گرسنگی در نظر گرفته می‌شود (Barosh, 2014). در ایران نیز تولید و عرضه مواد غذایی و امکان دسترسی تمام آحاد جامعه به غذای کافی، سالم و مطلوب از برنامه‌های توسعه ملی کشور می‌باشد (Abdollahi, 2011). براساس نقشه جهانی امنیت غذایی، کشورها در طیف بسیار پرخطر، پرخطر، با خطر متوسط و کم خطر قرار گرفتند. بر مبنای این تقسیم بندی ایران در وضعیت پرخطر قرار دارد (Islami, 2009). خانوارهای ایرانی از الگوی تغذیه معقولی برخوردار نیستند و عرضه غذا در کشور از نظر کمی جوابگوی نیازهای مصرف است و آنها بیشتر شکم خود را سیر می‌کنند و از مصرف عناصر ریزمغذی و مواد غذایی اساسی غافل هستند (سید حمزه و همکاران، ۱۳۹۶). در صورتی که تعریف دقیق الگوی مصرف غذایی دربرگیرنده دامنه وسیعی از رفتارهای مصرف کننده در ارتباط با مواد غذایی است و الگوی غذایی مطلوب الگویی است که بر پایه سه اصل تعادل، تنوع و کفایت تغذیه‌ای، ضمن تامین نیازهای تغذیه‌ای و حفظ سلامت مردم، دربرگیرنده تفاوت های فردی، عادات، ارجحیت‌های غذایی، دانش و سواد تغذیه‌ای اقشار مختلف و منعکس کننده امکانات تولید، توزیع و دسترسی اقتصادی و فیزیکی در سطح ملی باشد (Hzhbarkyany, 2011).

براساس نتایج حاصل از این پژوهش، عوامل موثر بر الگوی تغذیه به سه عامل اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی تقسیم‌بندی گردید، به طوری که تغییر در هر کدام از این عوامل می‌تواند الگوی تغذیه را نیز تحت تاثیر خود قرار دهد. از سوی دیگر، گذار تغذیه ای یک رویداد جهانی به معنی تغییر در کیفیت و کمیت الگوی رژیم غذایی است (Drewnowski و همکاران، ۱۹۹۷). این تغییرات شامل تغییر در ساختار الگوی غذایی، به معنای جایگزین شدن رژیم‌های پرکالری به جای رژیم‌های سنتی همراه با افزایش مصرف غذاهای حاوی چربی اشباع (خصوصاً از منابع حیوانی)، قندهای افزوده شده و نمک، و کاهش مصرف کربوهیدرات‌های پیچیده، فیبر غذایی، میوه‌ها و سبزیجات است (Madanat و همکاران، ۲۰۰۸). روند جهانی شدن از طریق تغییر در تولید، تهیه و توزیع غذا بزرگترین تاثیر را بر روی دسترسی به سیستم‌های غذایی دنیا دارد (Atinmo, 2009). همچنین این عوامل به همراه افزایش صنعتی و مکانیزه شدن که در بیشتر کشورها رخ داده است، با تغییر در الگوی غذایی و شیوه زندگی ارتباط دارند (Bermudez, 2003).

مطالعات اخیر در دو دهه گذشته حاکی از آن است که ایران، کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در فرآیند گذار تغذیه ای قرار دارند و افزایش هشدار دهنده چاقی و اضافه وزن که با افزایش خطر بیماری قلبی - عروقی، دیابت نوع ۲، بیماری اسکمی قلبی، پرفشاری خون و سرطانهای خاص ارتباط دارد، در این مناطق دیده میشود (Atinmo, 2009). یافته‌های حاصل از این پژوهش نیز این موضوع را تایید می‌کند به طوری که یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که بیشترین علاقه خانوارهای روستایی مربوط به استفاده از برنج می‌باشد و براساس این علاقه نیز بیشترین مصرف مواد غذایی در طول هفته برنج می‌باشد. همچنین طبق نتایج پژوهش کمترین علاقه خانوارهای نمونه به مصرف ماهی و میگو می‌باشد و از این رو کمترین میزان را در بین مواد غذایی مصرف شده در طول هفته دارد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که مصرف ناشی از برنج و کربوهیدرات‌ها جایگزین مصرف گوشت شده است. که این نشان دهنده این نکته است که با توجه به هزینه کمتر برنج و کربوهیدرات‌ها نسبت به گوشت الگوی غذایی روستاییان بیشتر به این سمت رفته است و نتایج حاصل از آزمون رگرسیون چند متغیری نیز تایید کننده همین نکته می‌باشد که عامل اقتصادی به عنوان مهمترین شاخص تاثیر گذار بر الگوی های غذایی روستاییان می‌باشند. همچنین عمده ترین نگرانی خانوارهای روستایی از بعد مسائل اقتصادی و اجتماعی هزینه و خرج روزانه زندگی می‌باشد و مهمترین مشکلات اقتصادی روستاییان نبود زیرساخت‌های اشتغال می‌باشد.

اما چنانکه عمیق تر به موضوع نگاه کنیم می بینیم که درآمد در واقع نوک پیکان مجموعه عوامل اکولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی است و خود به عنوان معلول و متغیر واسطه ای این معادله نقش ایفاء می کند. یافته های حاصل از آزمون رگرسیون چندگانه نشان داد چهار عامل؛ "سرمازدگی محصول کشاورزی"، "خسارت ناشی از خشکسالی"، "دزدیده شدن محصولات کشاورزی" و "قیمت محصولات کشاورزی" در تعامل با یکدیگر  $R^2 = 0/94$  از واریانس درآمد خانوارهای روستایی را تبیین می کند. همچنین مهمترین منبع درآمد سرپرستان خانوارهای روستایی از کشاورزی و دامداری می باشد اما نکته ای که جالب به نظر می رسد کمک یارانه و فرزندان می باشد که تقریباً بیست درصد از منبع درآمد روستاییان را در برمیگیرد که این نکته می تواند نشان دهنده یک سری تغییرات اجتماعی در جوامع روستایی می باشد.

در یک جمع بندی کلی می توان گفت: هرگونه برنامه برای ارتقای وضعیت الگوی تغذیه خانوارهای روستایی در شهرستان باید با ارایه برنامه عملیاتی برای ارتقای سطح درآمد ایشان همراه باشد. با توجه به یافته های پژوهش و در نظر گرفتن عوامل تاثیرگذار بر درآمد روستاییان، دولت و نهادهای دست اندرکار باید با ارایه راهکارهایی خسارت های ناشی از سرمازدگی، خشک سالی، دزدیده شدن و قیمت پایین محصولات کشاورزی را کاهش دهند.





## منابع

۱. برخوردار، سعید، (۱۳۹۶)، بررسی اثرات تغییر اقلیم بر افت آب زیرزمینی و بیابانزایی (دشت جیرفت)، رساله دکتری دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه هرمزگان.
۲. بی‌باک، حسین و فاطمه مقبلی هنزائی (۱۳۹۶)، جمع‌آوری، شناسایی و استفاده سنتی و بومی گیاهان دارویی در شهرستان جیرفت. فصلنامه گیاهان دارویی، دوره ۴، شماره ۶۴، صص ۱۱۶-۱۴۰.
۳. پورقاسم، فاطمه، پورجاوید، سهیلا، امیر حسین علی بیگی (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر وضعیت تغذیه ای روستاییان شهرستان کرمانشاه، پژوهش‌های روستائی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۳۴۷-۳۶۴.
۴. پورکاظمی، محمد حسین و محمد سوزنده (۱۳۸۸)، تعیین سبد غذایی برای گروه‌های درآمدی مختلف با استفاده از منطق فازی، تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۴، شماره ۲، صص ۴۰-۲۸.
۵. جهانگیری، جهانگیر و ماهرخ رجبی (۱۳۸۰)، بررسی سواد و فرهنگ تغذیه‌ای در زنان شیراز، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۱۶، شماره ۳۲، صص ۷۵-۹۷.
۶. حیدری ساربان، وکیل باختر، سهیلا و مینا زیارتی (۱۳۹۷)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار کشاورزی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای استان کرمانشاه)، جغرافیا و پایداری محیط، دوره ۸، شماره ۲۷، صص ۵۹-۷۴.
۷. رزاقی، علی (۱۳۸۸)، امنیت غذایی از دیدگاه قران، مجله اخلاق پزشکی، دوره ۳، شماره ۹، صص ۱۷۱-۱۹۰.
۸. رضانی تهرانی، فهیمه؛ فرهنگ، مریم، امیری؛ پریسا، قنبریان و آرش و فریدون عزیزی (۱۳۹۱)، موانع تغذیه سالم از منظر مردان تهرانی: یک مطالعه کیفی، مجله پایش، دوره ۱۱، شماره ۵، صص ۷۲۵-۷۳۵.
۹. زراعت کیش، سید یعقوب و ژیلما کمائی (۱۳۹۶)، بررسی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در خانوارهای کشاورز روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد، علوم غذایی و تغذیه، دوره ۱۴، صص ۷۷-۸۶.
۱۰. سجاسی قیداری، حمداله؛ صادقلو، طاهره و اسماعیل شکوری فرد (۱۳۹۵)، سنجش سطح دارایی‌های معیشتی در مناطق روستایی با رویکرد معیشت پایدار (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان تایباد)، پژوهش و برنامه ریزی روستایی، دوره ۱۳، صص ۱۹۷-۲۱۶.
۱۱. صالحی، صادق و زهرا پازوکی نژاد (۱۳۹۵)، تحلیل عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش روستاییان به کشاورزی پایدار (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان بابلسر)، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، دوره ۱۳، صص ۶۷-۸۱.
۱۲. علیمرادی، زینب، کاظمی، فریده، استکی، ترانه و میر میران، پروین (۱۳۹۴)، امنیت غذایی خانواده در ایران: مرور سیستماتیک مطالعات ایرانی. نشریه دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۲۴ (۸۷).
۱۳. سیدحمزه، شیرین و بهزاد دماری، مدل مفهومی امنیت غذا و تغذیه در ایران. سلامت اجتماعی، دوره ۴، شماره ۳، صص ۲۲۸-۲۳۷.
۱۴. نمکین، کوکب، معاشری، نرگس، و سمیه خسروی (۱۳۹۱)، بررسی الگوی مصرف غذایی در دانش‌آموزان مدارس راهنمایی دخترانه شهر بیرجند، مراقبت‌های نوین (فصلنامه علمی-پژوهشی دانشکده پرستاری-مامایی بیرجند)، دوره ۹، شماره ۳، صص ۲۷۲-۲۶۴.
۱۵. Abdollahi, M., Mohammadi, F., Houshiar-Rad, A., HajiFaragi, M., & Esfarjani, F. (2011), Shares of Energy and Nutrients Intakes from Subsidized Food Items in Iranian Households in different Socio-Economic Status. Iranian Journal of Nutrition Sciences & Food Technology, 6(1):43-56.

۱۶. Abebaw, D., Fentie, Y., & Kassa, B. (2010). The impact of a food security program on household food consumption in Northwestern Ethiopia: A matching estimator approach. *Food Policy*, 35(4), 286-293.
۱۷. Ahmad, Shahzad, M. Siddique Javed, & Abdul Ghafoor. (2004) Estimation of food security situation at household level in rural areas of Punjab. *International Journal of Agriculture and Biology* 6.3: 483-487.
۱۸. Atinmo, T., Mirmiran, P., Oyewole, O. E., Belahsen, R., & Serra-Majem, L. (2009). Breaking the poverty/malnutrition cycle in Africa and the Middle East. *Nutrition reviews*, 67(suppl\_1), S40-S46.
۱۹. Barosh, L., Friel, S., Engelhardt, K., & Chan, L. (2014). The cost of a healthy and sustainable diet—who can afford it?. *Australian and New Zealand journal of public health*, 38(1), 7-12.
۲۰. Barton, H. (2009). Land use planning and health and well-being. *Land Use Policy* 26S , S115–S123. Contents lists available at Science Direct, journal homepage: [www.elsevier.com/locate/landusepol](http://www.elsevier.com/locate/landusepol).
۲۱. Barton, H., Grant, M., (2006). A health map for the local human habitat. *Journal for the Royal Society for the Promotion of Health* 126 (6), 252–253.
۲۲. Bashir, M. K., Schilizzi, S., & Pandit, R. (2012). Food security and its determinants at the cross roads in Punjab Pakistan (No. 126033).
۲۳. Bermudez, O. I., Velez-Carrasco, W., Schaefer, E. J., & Tucker, K. L. (2002). Dietary and plasma lipid, lipoprotein, and apolipoprotein profiles among elderly Hispanics and non-Hispanics and their association with diabetes. *The American journal of clinical nutrition*, 76(6), 1214-1221.
۲۴. Branch, K., Hooper, D., Thompson, T., Creighton, J., (1984). *Guide to Social Assessment: A Framework for Assessing Social Change*. West view Press, Boulder, CO
۲۵. Broussard D. L.; William B., Sappenfield, Chris Fussman, Charlan D. Kroelinger & Violanda Grigorescu., (2011). Core State Preconception Health Indicators: A Voluntary, Multi-state Selection Process” *Matern Child Health J.* 15:158–168
۲۶. Caglayan, E., & Dayioglu, T. (2011). Comparing the parametric and semiparametric logit models: Household poverty in Turkey. *International Journal of Economics and Finance*, 3(5), 197.
۲۷. Dastgiri S, Mahboob S, Tutunchi H and Ostadrahimi A (2006) [Determinants of Food Insecurity: A Cross Sectional Study in Tabriz]. *Journal of Ardabil University of Medical Sciences.* 6 (3) 233-239.
۲۸. Djazayeri A, Mehrabi Y, Azizi F. (2008), Change in food patterns of Tehrani adults and its association with changes in their body weight and body mass index in District 13 of Tehran: Tehran Lipid and Glucose Study. *Iranian Journal of Nutrition Sciences & Food Technology.*;2(4):67- 80.
۲۹. Drewnowski, A. (1997). Taste Preferences and Food Intake. *Annual Review of Nutrition*, 17, 237-253.
۳۰. FAO. (2014). Household food security & community nutrition.
۳۱. Hollander A.E.M. & Staatsen, B.A.M. (2003), Health, environment and quality of life: an epidemiological perspective on urban development. *Landscape and Urban Planning* 65; pp 53–62.
۳۲. Hzbarkyany k, Haji F. (2011). Welfare effects of implementing food security policies targeted at vulnerable groups. *Applied economics.* 2(7):23-5۷. [Article in Persian]
۳۳. Islami, F., Malekshah, A. F., Kimiagar, M., Pourshams, A., Wakefield, J., Gogiani, G & Saadatian-Elahi, M. (2009). Patterns of food and nutrient consumption in northern Iran, a high-risk area for esophageal cancer. *Nutrition and cancer*, 61(4), 475-483.
۳۴. Lawrence, R.J., (2004). Housing and health: from interdisciplinary principles to trans disciplinary research and practice, *Futures* 36, pp 487–502
۳۵. Madanat, H. N., Hawks, S. R., Campbell, T., Fowler, C., & Hawks, J. L. (2010). Young urban women and the nutrition transition in China: a familiar pattern emerges. *Global health promotion*, 17(4), pp 43-51.
۳۶. Maggie, I. & Bradshaw, J. (2010) “Child Well-being in the Pacific Rim” *child Ind Res*, 3: 367-383, published online: Springer Science+Business Media.

۳۷. Malik, S., Chaudhry, I. S., & Hanif, I. (2012). Analysis of Rural Poverty in Pakistan; Bi-Model Estimation of Some Selected Villages. *International Journal of Humanities and Social Science*, 2(8), pp 73-80.
۳۸. Millennium Assessment, (2003). *Ecosystems and Human Well-being: A Framework for Assessment*. Millennium Ecosystem Assessment Series. Island Press, Washington, DC.
۳۹. Mocellin, J.R., Foggin, P., (2008). Health status and geographic mobility among semi-nomadic pastoralists in Mongolia. *Health & Place*, 14, pp 228-242.
۴۰. Msangi, J. P. (2014). *Food security among small-scale agricultural producers in southern Africa*. Switzerland: Springer Publishing.
۴۱. Paton, K., Sengupta, S., Hassan, L., (2005). Settings, systems and organization development: the Healthy Living and Working Model. *Health Promot. Int.*, 1-9.
۴۲. Prochaska, J. J., & Sallis, J. F. (2004). A randomized controlled trial of single versus multiple health behavior change: promoting physical activity and nutrition among adolescents. *Health Psychology*, 23(3), pp 314-322.
۴۳. Riyahi, M. (2005). A comparative study of gender differences and dietary habits a survey of the Iranian and Indian students (Persian)]. *Women's studies (Sociological & Psychological)*, 3(2), pp 97-126.
۴۴. Ruwaard, D., & Kramers, P.G.N., (1998). *Public health status and forecasts report 1997. Health prevention and health care in the Netherlands until 2015*. Bilthoven/Maarsse, National Institute of Public health and Environment, Elsevier/de Tijdstroom, The Netherlands.
۴۵. Tinker, A., Finn, K. & Epp, J. (2000). *IMPROVING WOMENS HEALTH, Issues and Interventions* "The International Bank for Reconstruction and Development, Washington, DC.
۴۶. UNICEF, (2001). *Speaking Out Survey 2001*. Retrieved August 2008 from: <http://www.unicef.org/polls/eapro/values/index.html>.
۴۷. WHO, (2008). *World Health Statistics 2008* from: [http://www.who.int/whosis/who\\_stat/3.xls](http://www.who.int/whosis/who_stat/3.xls).